

تحلیل و بررسی تکاپوهای سیاسی - اقتصادی ممالیک در دریای مدیترانه در تقابل با ایلخانان

(۶۴۸-۹۲۳ هـ. ق/۱۲۵۰-۱۵۱۷ م)

مریم شیپری^۱

مرضیه فدوی^۲

چکیده

دوران سیزده ساله فرمانروایی ممالیک بر مصر و شام، حداثی میان دو دولت ایوبی و عثمانی (۶۴۸-۹۲۳ هـ. ق/۱۲۵۰-۱۵۱۷ م)، از مهم‌ترین ادوار سیاسی و اجتماعی و فرهنگی این منطقه به شمار می‌رود. از دیدگاه سیاسی سلاطین مملوک علاوه بر آنکه به مثابه سدی در برابر یورش مغولان قد برافراشتند؛ مهاجمان صلیبی را در هم شکستند و از سرزمین فلسطین بیرون راندند.

ممالیک برای توسعه سیاسی - اقتصادی خود از تقابل و دشمنی با ایلخانان به عنوان یک محور اصلی بهره بردند و همه‌ی روابط خود با دولت‌های درگیر در منطقه‌ی مدیترانه را بر اساس این محور شکل دادند. از لشکرکشی به ارمنستان تا عهد و پیمان با اروپائیان همگی بر اساس این محور شکل گرفت و در نهایت نیز در موارد بسیاری به ممالیک نقش یک دولت واسطه‌گر در منطقه‌ی مدیترانه را داد. بر این اساس این بررسی به دنبال کنکاش در روابط سیاسی و اقتصادی ممالیک با محوریت توجه به دولت ایلخانی می‌باشد و همواره این سؤال مطرح می‌گردد که ممالیک در دریای مدیترانه چه نقش اقتصادی داشتند و جایگاه آن‌ها در ارتباط با حکومت‌های وقت چگونه بود؟ از این‌رو محور اصلی بحث بررسی نقش واسطه‌گری ممالیک با قدرت‌های منطقه است. نتایج نشان می‌دهد که سلاطین مصر در تقابل با ایلخانان با استفاده از این روش موفق بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: ممالیک، مناسبات تجاری، ایلخانان، رقابت‌های اقتصادی، مدیترانه.

^۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان maryamsheipari@lihu.usb.ac.ir

^۲. کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه سیستان و بلوچستان marzieh044@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۴

دولت ممالیک در سال (۶۴۸ هـ. ق/ ۱۲۵۰ م) پس از ایوبیان در مصر به قدرت رسید. نام رسمی این دولت، دولت التریکیه بود، آن‌ها از ترکان کومان بودند که از دشت قپچاق؛ قلمرو بین استپ‌های اروپای شرقی و دریای خزر به‌عنوان برده به بنادر دریای سیاه و از آنجا به مصر فروخته می‌شدند؛ بنابراین ساختار دولت ممالیک بر مبنای ارتشی از مملوکان تربیت شده بود که صرفاً به سلطان که او نیز از خود آن‌ها بود؛ وفادار بودند. از مشهورترین سلاطین آن‌ها الملك الظاهر بیبرس اول البندقداری؛ سلطان مملوک مصر و سوریه بود و المنصور قلاوون در سال (۶۷۸ هـ. ق/ ۱۲۷۹ م) که با استخدام چرکس‌ها؛ واحد نظامی ممالیک چرکسی معروف به بُرجیه (به دلیل خاستگاه آنان در برج‌های قاهره) را تأسیس کرد. ممالیک در سال (۶۹۰ هـ. ق/ ۱۲۹۱ م). عکاً آخرین پایگاه مهم صلیبی‌ها را در لوانت (شرق مدیترانه) تحت اختیار خود درآوردند؛ این دستاورد موجب تثبیت برتری ممالیک در منطقه گردید.

موقعیت جغرافیایی ممالیک در مصر و شرایط سیاسی و اقتصادی بنادر و راه‌های تجاری دریای سرخ و دریای مدیترانه موقعیت استراتژیکی ویژه‌ای را برای ممالیک به وجود آورده بود؛ بطوریکه بررسی موقعیت و وضعیت راه‌های ترانزیتی نقش مهمی در روشن کردن وضعیت سیاسی و اقتصادی ممالیک داشت. با توجه به استقرار حکومت ممالیک در مسیر راه‌های دریایی و راه تجاری دریای سرخ که نقش مهمی در رونق اقتصادی مصر داشت؛ در طول تاریخ همواره کاروان‌های تجاری پس از بارگیری از شرق دور به اقیانوس هند و سپس از دریای سرخ به مدیترانه رفته و در اروپا بارهای خود را تخلیه می‌کردند و بدون شک ممالیک نیز در دوره خود در این امر نقش پررنگی داشتند.

در ارتباط با راه‌هایی که تحت سلطه‌ی اروپاییان بود، راه اصلی دریایی که از طریق تنگه‌ی بسفر و داردانل می‌گذشت به‌طور کامل در اختیار امپراتوری بیزانس قرار داشت؛ اما بیزانسی‌ها مانع جریان عادی ارسال بردگان به دولت ممالیک نشدند و با ایفای نقش دوگانه؛ سعی در حفظ روابط خود با هر سه دولت اردوی زرّین، ایلخانان و ممالیک داشتند؛ بنابراین می‌توان گفت که رقبای خارجی ممالیک چه ایلخانان ایران و چه کشورهای اروپایی همواره در تضاد منافع با ممالیک مصر جهت دستیابی بر موقعیت تجاری و سیاسی مصر و تسلط بر آبراهه‌های دریای مدیترانه و دریای سرخ و کنترل بر بنادر و لنگرگاه‌های تجاری بودند و میان آن‌ها گاه روابط و مناسبات سیاسی تجاری برقرار می‌شد و گاه به برخورد و جبهه‌گیری علیه یکدیگر می‌انجامید.





ارمنستان نیز به دلیل موقعیت سوق الجیشی و قرار گرفتن در مسیر تجاری و دارا بودن بنادر بسیار مهم که تمام مبادلات تجاری در آن صورت می‌گرفت؛ مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفت و مرکز معاملاتی تجاری ایتالیایی، فرانسوی و اسپانیایی شده بود و پادشاه ارمنستان به تجاری ایتالیایی اجازه‌ی داد و ستد از طریق بنادر آن به‌ویژه بندر ایاز را داده بود؛ بنابراین با توجه به جایگاه و نقش ارمنستان ممالیک با استیلا یافتن بر آن می‌توانستند از طریق ارتباط مستقیم با اردوی زرّین از یک‌سو در تقابل با ایلخانان قرار بگیرند و از سوی دیگر در ارتباط با اروپاییان نیز جایگاه سیاسی و اقتصادی برتری می‌یافتند، اما ایلخانان ائتلاف‌هایی با دولت‌های مسیحی (ارمنستان و بیزانس) در تقابل با ممالیک شکل دادند. کنترل ایلخانان بر راه‌های تجاری آسیای صغیر در شکل‌گیری این ائتلاف‌ها نقشی تعیین‌کننده داشت و دولت تازه احیاء شده‌ی بیزانس به دلیل جایگاه ارتباطی و مسیحی بودن به‌عنوان کانون توجه آن‌ها قرار گرفت.

در فضای آشفته‌ی سیاسی حاکم بین اروپاییان و ممالیک مصر و شاخه‌های ایلخانان و اردوی زرّین و میان تجاری وینیزی و جنوایی رقابت‌های تنگاتنگی حاکم بود، اما آن‌ها بدون ملاحظه‌ی دسته‌بندی‌های سیاسی حاکم؛ همواره می‌کوشیدند که با ایجاد روابط و مناسبات سیاسی اقتصادی با دول شرقی و غربی به امتیازات ویژه‌ای دست یابند و با حفظ جایگاه تجاری و کسب سود از طریق مناسبات بازرگانی به تحکیم اقتدار سیاسی خود در دریای مدیترانه و مصر پردازند؛ همچنین به دست آوردن بازارهای جدید در منطقه برایشان در اولویت بود (ساندرز، ۱۳۶۱: ۱۶۵).

مناسبات سیاسی اقتصادی ممالیک با مغولان

با ضعف و اضمحلال ایوبیان سرداران ترک توانستند بر اریکه‌ی قدرت مسلط شوند، اصل و منشأ ممالیک از قبایل ترک قیپچاق یا ترکان چرکس در جنوب روسیه و قفقاز بودند که از طریق خرید و فروش به‌عنوان برده یا غلام به دربار قاهره آورده می‌شدند (کرافولسکی، ۱۹۹۳: ۴۱۳، ۱۲۴؛ ابن تغری بردی، ۱۳۸۳: ۲۱۶)، مسائل عمده‌ای که فرمانروایان مصر در دوره‌ی معروف به ممالیک بحری با آن روبه‌رو بودند تقریباً یکسان بود و راه روبه‌رو شدن با آن‌ها نیز چنین بود، دشمن عمده‌ی آنان مغولان بودند که حتی پس از مسلمان شدن هم‌دست از رقابت با ایشان برنمی‌داشتند و این مسلمانی بسیار به‌کندی در بهبود روابط تأثیر می‌گذاشت بطوریکه مغولان همواره قلمرو ممالیک را تهدید می‌کردند و از فرمانروایان مسیحی مناطق مختلف برای این کار کمک می‌گرفتند که پس از شکست غازان در نبرد مرج الصفر انحطاط قدرت مغولان آشکار شد (ابن‌الوردی، ۱۹۷۰: ۲۵۴ و بروکلیمان، ۱۳۴۶: ۳۲۹).



مسئله‌ی تجارت برای مغولان خیلی مهم بود و همواره به نقش تجارت در تأمین نیازها و فروش کالاهایشان پی برده بودند و عقیده داشتند: «که تجارت مانند خون در پیکر کشور اهمیت حیاتی دارد». (ساندرز، ۱۳۶۱: ۱۵۴)، از این رو چنگیز شرایط مناسبی را برای امنیت تجار به وجود آورد در نتیجه «بازرگانان جایگاه شایسته‌تری به دست آوردند و جماعت تجار صاحب اعتبار فراوان شدند» (رضوی، ۱۳۸۸: ۱۵۳)، این مسئله در زمان بقیه‌ی زمامداران مغول نیز ادامه یافت بنابراین در برخی از موارد روابط دوستانه و مناسبات اقتصادی میان مغولان و ممالیک برقرار می‌گردید که علت این امر وجود منافع حاصل از تجارت بود که گاهی به دلیل تسلط و برتری مغولان بر ممالیک و یا بالعکس شرایط برای ایجاد دوستی فراهم می‌شد. از این رو جهت روشن شدن موضوع می‌توان به اقداماتی چند که توسط برخی از سلاطین مملوکی مصر در زمینه‌ی برقراری روابط و مناسبات تجاری و اقتصادی با دول دیگر به‌ویژه مغولان ایران صورت گرفته بود اشاره نمود. ملک الظاهر رکن الدین بیبرس چهارمین سلطان مملوکی مصر است که در سال (۶۵۸-۶۷۶ هـ/ ۱۲۶۰-۱۲۷۷ م.) به قدرت رسید و از بنیان برقراری نظم جدید در مصر بود، او همواره از جنگ و دیپلماسی برای رسیدن به اهدافش بهره می‌گرفت و با انجام فعالیت‌های چندجانبه که همواره با یکدیگر سازگار بودند تلاش می‌کرد مصر را از وجود دشمنان حفظ نماید؛ از این رو در دوره‌ی اول سلطنت خود با تجدید پیمان با قسطنطنیه که به زیان فرانک‌ها در سوریه بود و از سوی دیگر به دلیل ایجاد شکاف در روابط ایلخانان ایران و مغولان اردوی زرین؛ با برکه؛ خان اردوی زرین پیمان دوستی بست، همچنین در اروپای مسیحی نیز متحدانی مانند پادشاه سیسیل، دولت‌شهرهای ایتالیا از جمله ونیز و جنوا و آراگون و قشتاله از جمله دولت‌شهرهای اسپانیا پیدا کرد و با انعقاد پیمان‌های تجاری زمینه را برای تثبیت و توسعه‌ی اوضاع اقتصادی مصر فراهم نمود بطوریکه تا دو قرن و نیم بعد از او نیز مصر در اوج رونق و شکوفایی اقتصادی ناشی از برقراری روابط و مناسبات تجاری با اروپاییان بود. او همچنین نیروی دریایی ایجاد کرد و به ساخت کشتی در قاهره، فسطاط و جزیره‌ی رود نیل، اسکندریه و دمیاط پرداخت و بر تهیه‌ی چوب کشتی‌ها نظارت می‌کرد و در زمان کمبود چوب از آسیای صغیر و ایتالیا چوب وارد می‌کردند بطوریکه پنجاه کشتی در زمان او ساخته شد و ممالیک در قبرس و رودس به نبرد دریایی با پرتغالی‌ها در سواحل هند غربی پرداختند (لین پول، ۱۹۸۹: ۲۳۶).

منصور قلاوون در سال (۶۷۸ هـ/ ۱۲۹۷ م.) به روی کار آمد، او نیز سیاست بیبرس را دنبال نمود؛ از این رو برای مقابله با مغولان درصدد ایجاد اتحاد با امپراتوری روم شرقی و هم با امپراتوری مقدس روم پرداخت و با مبادله‌ی سفرا زمینه برای انجام روابط تجاری میان آن‌ها برقرار شد و از سوی دیگر با امضاء موافقت‌نامه‌هایی با جنوا،



کاستیل و سیسیل و برقراری روابط دوستانه با امیر قیچاقی که تازه به دین اسلام گرویده بود؛ مناسبات خود را به جریان انداخت (لمبتون، ۱۳۷۸: ۲۹۸)، همچنین با ارسال هیئت‌های نمایندگی تجاری به یمن و سیلان تلاش کرد که مصر را وارد مراودات تجاری و بازرگانی در مسیر راه‌های تجاری مشرق قرار دهد و از سوی دیگر مبادلات کالاهای ارسالی به غرب را نیز به انحصار مصریان درآورد. او همچنین به ایجاد راه‌های تجاری داخل مصر توجه کرد تا کالاها از بنادر دریای سرخ به‌ویژه بندر عیذاب به بنادر دریای مدیترانه به‌ویژه اسکندریه و دمياط سالم برسند (شبارو، ۱۳۸۶: ۱۵۳).

در زمان حکومت اشرف شعبان در مصر، او توانست محاصره‌ی اقتصادی را بشکند بطوریکه تا دوازده سال قبل از نابودی بحری‌ها؛ وارد سیس پایتخت کلیکیه (ارمنستان صغیر) شد و در سال (۷۷۷ هـ.ق/ ۱۳۷۵ م) پادشاه آن لئورا اسیر کرد؛ بدین ترتیب منطقه‌ی کلیکیه و همه‌ی بنادر شرق دریای مدیترانه تسلیم نفوذ ممالیک شد. (پیگو لوسکایا، ۱۳۴۹: ۳۵۰)، در این دوران سلاطین ممالیک بری همواره نمایندگی‌های تجاری را تشویق و مسافرخانه‌های بسیاری را ایجاد کردند و به تجار خارجی در اسکندریه، بیروت، دمشق، طرابلس، حلب و لازقیه اختصاص دادند (شبارو، ۱۳۸۶: ۱۵۲)، که این امر نقش ایلخانان مغول را که همواره بعنوان هم پیمانان و متحدان اصلی پادشاه ارمنستان بودند؛ کم رنگ نمود.

در ارتباط با ممالیک و حکومت ایلخانان می‌توان گفت که از همان ابتدای شکل‌گیری دولت مغولان؛ میان آن‌ها و ممالیک درگیری به وجود آمد، به‌عنوان مثال یکی از عواملی که در زمان اباق‌آن باعث شد بحران میان مغولان ایران و ممالیک مصر به وجود آید این بود که اباق‌آن تلاش می‌کرد از وصول بازرگانان مصری و سایر تاجرانی که قصد رفتن به اردوی زرین از طریق قلمرو ایلخانان را داشتند جلوگیری کند (ابن عبدالظاهر، ۱۹۵۷: ۳۰۷)، او بعد شکست از ممالیک؛ از جنوایی‌ها تقاضای کمک کرد اما جمهوری جنوا چون می‌خواست از طریق بازرگانانی در دریای مدیترانه؛ منافع اقتصادی خود را تأمین کند تمایل نداشت به ممالیک مصر حمله برد و باعث رنجش آن‌ها از خود شود (ساندرز، ۱۳۶۱: ۱۳۰، ۱۲۹)؛ در نتیجه مغولان یکی از متحدان اروپایی خود را از دست دادند که این امر برای دولت ممالیک تأثیرات بالقوه‌ای جهت توسعه دادن روابط دوستانه با اروپاییان را به همراه داشت.

در دوران ارغون نیز از طرف مغولان تلاش شد که ضربه‌ی شدیدی به تجارت مصر بزنند بطوریکه تصمیم داشتند با تغییر مسیر؛ دریای سرخ را از کنترل تجار مصر خارج کنند. قدر مسلم است که مسیحیان ارغون را تشویق کردند که این کار را انجام دهد تا «تمام جهازاتی که از هندوستان می‌آمد بگیرند و نگذارند از طریق دریای سرخ به مصر برود



و مجبورشان کنند که به هرمز در خلیج فارس بروند» (پیگو لوسکایا، ۱۳۴۹: ۳۵۶؛ ابن الوردی، ۱۹۷۰: ۲۱۵؛ انصاری دمشقی، ۱۳۵۷: ۲۵۳)، طبق گفته‌ی بن عبری: ارغون در فکر اجرای این طرح بوده است و به همین دلیل ۹۰۰ دریانورد و کشتی‌ساز جنوایی را به خدمت گرفت و وسایل و چوب موردنیاز را تهیه کرد اما به دلیل درگیری و اختلاف داخلی میان جنوایی‌ها این نقشه بی‌نتیجه ماند (Richard, 1968: 49)، در واقع «هدف کشورهای اروپایی این بود که کالاهایی که از هندوستان می‌آمد؛ از ایران عبور کند و راه تجارت مصر را ببندند و کالاهای مستقیماً به بنادر مدیترانه منتقل شود» (اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران و جمهوری ونیز، ۱۳۵۲: ۱۳، ۱۲). حتی باخبر مسلمان شدن احمد تگودار در دربار سلطان قلاوون به سردی برخورد شد (اشپولر، ۱۳۵۱: ۸۳، ۸۲)؛ و سفیر ایلخانان شیخ عبدالرحمن در دمشق زندانی شد (رشیدالدین، ۱۳۶۲: ۷۹۰)، در زمان غازان خان نیز جنگ‌ها پایان نپذیرفت و به گفته‌ی رشیدالدین علت جنگ‌ها تجاوزگری‌های مصریان در شام است (ابوالخیر، بی‌تا: ۱۶۴)، و با مسلمان شدن غازان و درخواست او جهت برقراری روابط دوستانه به ملک ناصر؛ او نپذیرفت و سلطان مصر شروع به دخالت در امور ارمنستان کرد (اشپولر، ۱۳۵۱: ۱۰۴ و ابن تغری بردی، ۱۹۶۳: ۳۲۱)، از این‌رو جنگ‌ها در زمان غازان، الجایتو و ابوسعید ادامه یافت (اقبال، ۱۳۷۴: ۳۶۸، ۳۶۴).

مناسبات سیاسی اقتصادی ممالیک با اردوی زرین

به دلیل دشمنی میان دولت ایلخانی و اردوی زرین آن‌ها همواره سعی داشتند تا از راه‌های دیگری نیز به توان اقتصادی و تجاری یکدیگر ضربه بزنند؛ از این‌رو اردوی زرین تلاش می‌کرد تا در تعقیب اهداف اقتصادی و تجاری‌اش؛ روابط خود را با مصر نزدیک‌تر کند (Dicosmo, No dat: 213)، از سوی دیگر روابط با اردوی زرین به دلیل اینکه منبع اصلی تأمین سربازان جدید مملوک بود، با اهمیت تلقی می‌شد (مورگان، ۱۳۷۱: ۱۸۹)، رقابت تجاری ایلخانان با تجار ایتالیایی و اعطای تسهیلات و امکانات برای آنان نیز به خاطر همین سیاست‌ها بوده است (اشپولر، ۱۳۵۱: ۴۳۱).

حکومت ممالیک به دلیل درگیری در دو جبهه‌ی مغولان و صلیبیان ناگزیر بود به تقویت نیروی نظامی خود پردازد؛ از این‌رو بیبرس به تجارت برده از دشت قپچاق و بازارهای وابسته به آن در آسیای صغیر و دریای سیاه‌روی آورد. در مقابل برکه؛ با متحدشدن با ممالیک به سرکردگی بیبرس؛ از مزایای ایجاد روابط هم‌پیمانان بیبرس (بیزانس، سیسیل، آراگون و قشتاله) بهره‌مند گردید، این روابط و مراودات با ازدواج سیاسی بیبرس با دختر برکه خان؛ زمینه‌ی تحکیم روابط را بیش‌ازپیش فراهم ساخت از این‌رو مذاکرات رسمی میان دو متحد از سال (۶۵۹ هـ/ق/ ۱۲۶۱ م.)



شروع شد و تا سال (۶۶۱ هـ/۱۲۶۳ م) با انعقاد قرارداد ادامه یافت (رمزی، ۱۹۰۸: ۴۲۳، ۴۲۷؛ قلقشندی، ۱۹۱۹: ۴۵۷)، در نتیجه مغولان مورد تهدیدی قرار گرفتند که دامنه‌ی آن از دره‌ی نیل تا دریای سیاه و حوزه‌ی رودخانه‌ی ولگا می‌رسید (لین پول، ۱۹۶۹: ۲۷۶، ۲۶۶).

تجارت برده یکی از مهم‌ترین اقلام تجاری بود که معمولاً از مسیر شمالی واقع در دشت قپچاق که به شبه‌جزیره‌ی کریمه در دریای سیاه ختم می‌شد می‌بردند از سوی دیگر آناتولی در مسیر انتقال بردگان از دشت قپچاق به سوی سواحل مدیترانه قرار داشت و تجار ایتالیایی از بنادر دریای سیاه؛ بردگان را برای فروش به سواحل دریای مدیترانه می‌بردند (امامی خویی، ۱۳۸۵: ۸۴)، مشکل عمده در اینجا راه‌های ارتباطی بود که به دلیل وجود ایلخانان و کنترل آنان بر عراق، ارمنستان و قسمت اعظم آناتولی؛ اعمال سیاست‌های اقتصادی و سیاسی توسط اردوی زرین و ممالیک به خوبی امکان‌پذیر نبود (مورگان، ۱۳۷۱: ۱۸۹)، ایلخانان نیز بر این مشکل (راه‌های مواصلاتی) واقف بودند و تلاش می‌کردند از این طریق مانع ادامه‌ی روابط آن‌ها شوند، لذا از این زمان به بعد ایلخانان به دنبال محدود کردن تجارت مصر و محاصره‌ی ممالیک بودند و راه‌های تجاری شمال را که تجارت برده در آن صورت می‌گرفت و راه‌های آبی اقیانوس هند که کالاهای لوکس و ادویه و غیره. در آنجا مبادله می‌شد مورد توجه قرار دادند؛ اما در رسیدن به این هدف توفیقی کسب نکردند.

با این وجود جهت برقراری شرایط در تسهیل واردات برده به مصر لازم بود که به تأمین امنیت و ایجاد شرایط مناسب برای عبور و مرور آزادانه‌ی تجار برده پرداخته شود که همواره از آسیای صغیر، دریای سیاه و مدیترانه آورده می‌شدند. این عوامل موجب برقراری پیمان میان بیبرس با امپراتوری بیزانس و سلاجقه‌ی روم شد که همواره کنترل راه‌های ارتباطی قاهره و سراسر آن را در دست داشتند. همچنین بیبرس برای کسب اجازه‌ی عبور و مرور کشتی‌های حامل بردگان از تنگه‌ی دریای سیاه در سال (۶۶۰ هـ/۱۲۶۲ م) با میخائیل هشتم امپراتور بیزانس جهت دستیابی به بازارهای برده‌فروشی آسیای صغیر و تسهیل مرادوات تجار از آسیای صغیر به اسکندریه و دمیاط؛ با عزالدین کیکاووس سلطان سلجوقیان روم هم‌پیمان شد (ابن واصل، بی‌تا: ۴۰۲؛ مقریزی، ۱۹۶۲: ۴۷۱)، از جمله اقداماتی که بیبرس برای واردات برده انجام داد عبارت‌اند از: ارسال کشتی‌های حامل بردگان سالی دو بار از دشت قپچاق که پس از عبور از دریای سیاه در بنادر دریای مدیترانه در اسکندریه و دمیاط آن‌ها را تخلیه می‌کردند (بن عبدالظاهر، ۱۹۷۶: ۲۰۳، ۲۰۲؛ مقریزی، ۱۹۵۶: ۴۶۹؛ ابن تغری بردی، ۱۳۸۳: ۱۹۷).



به دنبال این تلاش‌ها و اهمیت به تجارت بود که سرای پایتخت آباد و پرجمعیت این کشور به عنوان میعادگاه تاجران و بازرگانانی شد که از کشورهای مختلف و با ملیت و قومیت‌های گوناگونی مانند ارمنیان، ایتالیایی‌ها، یهودیان، ایرانیان و مسلمانان آسیای مرکزی به آنجا رفت‌وآمد می‌کردند (قلقشندی، ۱۹۱۹: ۴۰۵)، و به گفته‌ی انصاری دمشقی: «بازرگانان جهت فروش کالاهایشان و خرید کنیزکان و بردگان از ولایات به اینجا (سرا) می‌آیند و خداوند از این طایفه گروه‌هایی را در مصر و شام جای داده است...» (دمشقی، ۱۳۵۷: ۴۴۸)، بر اساس گزارش‌های ابن بطوطه: در سرا محل‌های خاصی برای اقامت بازرگان و تاجران کشورهای دیگر وجود داشت (ابن بطوطه، ۱۲۸۷: ۲۰۹، ۲۰۸)، بطوریکه وجود ویرانه‌ها و بقایای متعددی از کاروان‌سراها در بافت پایتخت اردوی زرین (سرا) گواه این امر است (ساندرز، ۱۳۶۱: ۱۵۴).

درباره‌ی این تجارت در مصر آورده شده است که؛ خان بسیار مسرور از بازارهای قاهره بود که در میدان بزرگ آن بردگان را می‌فروختند (مقریزی، ۱۳۵۷: ۹۲)، بردگان پس از ورود به مصر؛ بعد از آموزش یافتن امور دینی و فنون نظامی به جیش سلطان می‌پیوستند؛ بطوریکه بیبرس ۴۰ هزار نفر نیروی نظامی قدرتمندی داشت (تغری بردی، ۱۳۸۳: ۱۹۷)، از سوی دیگر زمامداران اردوی زرین از تاجران بزرگی بودند که امتعه و کالاهایی را که از نقاط مختلف جهت عرضه به این سرزمین می‌رسید در صورت نیاز باقیمت بسیار خوبی خریداری می‌کردند (میر خواند، ۱۳۳۹: ۱۳۴؛ رمزی، ۱۹۰۸: ۴۰۲/۲)، همچنین حجم مبادلات در این منطقه در زمان مغولان با کشورهای

لهستان، لیتوانی، مصر، بیزانس، ایران، کافا و آسیای مرکزی افزایش یافت (Charles, 1987: 25-250).

همانطور که گفته شد برکه و بیبرس پس از تبادل سفرا علیه ایلخانان باهم متحد شدند (ابن تغری بردی، ۱۴۱۳: ۲۲۲)، زیرا تأمین غلامان موردنیاز در زمینه‌ی نظامی از سرزمین‌های واقع در قلمرو دشت قپچاق و سایر عوامل موجب همگرایی بیشتر این دو شد؛ و بیزانس در این مورد نقش بسیار مهمی داشت. سرانجام با مرگ برکه خان؛ روابط حسنه‌ی سیاسی اقتصادی اردوی زرین و مالیات خاتمه یافت اما در دوره‌ی حکومت منگوتیمور (۶۶۴، ۶۸۱ ه.ق. / ۱۲۷۳، ۱۲۶۶ م.) برادرزاده‌ی او، فصل سردی در روابط قاهره و سرای آغاز گردید، او با وجود بی‌اعتقادی به اسلام در ابتدا با بیبرس متحد بود (مقریزی، ۱۹۵۶: ۵۶۳، ۵۸۸)، و بر ضد ایلخانان شرکت کرد اما مدتی بعد با لشکرکشی ایلخانان به مصر موجب تغییر جبهه‌گیری منگوتیمور شد و روابطشان به تیرگی گرایید (وصاف، ۱۲۶۹: ۸۹، ۹۰)، که در این مورد در منابع اطلاع‌زیادی وجود ندارد.



مناسبات سیاسی اقتصادی ممالیک با ارمنستان صغیر

ارمنستان منطقه‌ای است کوهستانی که در آسیای مرکزی و میان سه فلات؛ ایران، بین‌النهرین و آسیای صغیر قرار دارد، این سرزمین به دلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیک خاص خود و همچنین به دلیل داشتن دشت‌های حاصلخیز و منابع زیرزمینی و قرار گرفتن در مسیر تجاری راه ابریشم که شرق و غرب را به هم متصل می‌کرد یکی از دلایل کشمکش میان حکومت‌های مختلف بوده است، از سوی دیگر به دلیل موقعیت سوق‌الجیشی و قرار گرفتن در مسیر تجاری و دارا بودن بنادر بسیار مهم که تمام مبادلات تجاری در آن صورت می‌گرفت؛ موردتوجه بسیاری از کشورها قرار گرفت و مرکز معامله‌ی تجار ایتالیایی، فرانسوی و اسپانیایی شده بود (اقبال، ۱۳۷۴: ۵۷۹)، و پادشاه ارمنستان به تجار ایتالیایی اجازه‌ی دادوستد از طریق بنادر آن به‌ویژه بندر ایاز را داده بود (رانسیمان، ۱۳۷۱: ۴۳۱).

ارمنستان برای ممالیک نیز به همین مناسبت مهم بود؛ بطوریکه بیبرس در یکی از حملاتش به ارمنستان موفق شد این سرزمین را به نهب و غارت برد و علاوه بر فرار هیتوم پادشاه مسیحی ارمنستان؛ یکی از پسرانش (توروس) کشته شد و دیگری به اسارت برده شد (لوکاس، ۱۳۷۶: ۳۱۳)، از سوی دیگر با پناهنده شدن تیمورتاش امیر مغولی آسیای صغیر به دربار ممالیک؛ زمینه برای گسترش نفوذ ممالیک در ارمنستان فراهم شد؛ ازاین‌رو از سال (۷۰۵ هـ.ق. ۱۳۰۱ م.) ممالیک به ارمنستان لشکرکشی داشتند که هدف آن‌ها تحمیل سلطه‌ی سیاسی بر ارمنستان بود (اشپولر، ۱۳۶۵: ۱۱۲)، از سوی دیگر انتقام از هیتوم ارمنی وسیله‌ای شد برای اهداف اقتصادی ممالیک، بطوریکه یکی از دلایل حملات بیبرس به ارمنستان عدم موافقت هیتوم برای ارتباط اقتصادی با مصر بود، هرچند ارمنستان از دست‌اندازی‌های همسایه‌ی شمالی خود به مغولان توسل جسته بود و در سیاست‌هایش موفق بود؛ اما از دشمن قوی‌ترش ممالیک شکست خورد.

ارمنستان صغیر به دلیل پیشروی ممالیک در شام؛ به‌عنوان سنگر اولیه‌ی مقابله با مغولان بشمار می‌رفت ازاین‌رو ممالیک به‌کرات به ارمنستان حمله می‌کردند و با این‌کاربر مغولان فشار می‌آوردند. با شکست غازان از ممالیک مصر و آشفتگی‌هایی که پس‌ازآن در گرجستان و ارمنستان به وجود آمد؛ ایلخانان متوجه شدند که حربه‌ی اقتصادی کاربردی‌تر از حربه‌ی نظامی است؛ لذا تلاش کردند که در انتقال قدرت اقتصادی از قاهره به تبریز تغییر جهت دهند و در چنین شرایطی اروپاییان نیز روابط تجاری خود را با ایران گسترش دادند زیرا راه‌های دریایی ایران برایشان مقرون‌به‌صرفه بود ازاین‌رو ونیزی‌ها از تجارت با مصر خودداری کردند. بازرگانان ارمنی حامیان مغولان بودند و



سیاست مسالمت‌آمیز و حمایت از مسیحیان موجب توجه ویژه به آرامنه و تجار ارمنی شد که از سود حاصل از تجارت بین‌المللی بهره می‌بردند. آن‌ها در همه‌ی مسیرهای تجاری و شهرهایی همچون طرابوزان، تبریز و سلطانیه فعال بودند و بندر ایاز نقطه‌ی عطفی در تجارت با شرق دور بشمار می‌رفت (Hovanisian, 2004: 262).

مناسبات سیاسی اقتصادی مالیک با اروپاییان

فتوحات مغولان و حضور تجار ایتالیایی به‌ویژه جنوا و موقعیت مناسب آن و همکاری در جنگ‌های صلیبی با صلیبیان در شرق و تحول در مناسبات تجاری این دولت‌شهر و اصلاحات انجام‌شده موجب شکل‌گیری روابط گسترده‌ی تجاری در قالب تجارت بین قاره‌ای شد؛ تجارت برای مغولان یک سنت قبیله‌ای بود و حضور تجار جنوایی در بنادر طالع و دریای سیاه و نیازهای دوجانبه باعث نزدیکی روابط دو طرف شد و دوره‌ی خاصی در مناسبات تجاری ایران و دولت‌شهر جنوا به وجود آمد (لوسیس، ۱۳۸۹: ۲۴۵). با تشکیل حکومت ایلخانان در ایران روابط دو طرف ادامه یافت و توجه ویژه مغولان به منافع حاصل از تجارت؛ بیشتر شد، وجود راه‌های تجاری و ارتباطی مناسب و توجه حکومت‌های مسیر جاده‌ی ابریشم؛ به این روند سرعت بخشید. ایلخانان پس از شکست در شام؛ سیاست ضربه به منافع تجاری مالیک را پیش گرفتند و کوشیدند متحدانی مانند جنوا بیابند. نیازهای دو طرف در گسترش تجارت نقش اساسی داشته است؛ از این‌رو توجه ویژه‌ی آن‌ها به تجارت با توجه به عواید گسترده‌ی حاصل از آن، تحولات داخلی دولت‌شهرهای ایتالیایی، تشکیل اتحادیه‌های تجاری و تجارت گروهی و همکاری حکومت‌های مسیر تجارت در جهت ایجاد تسهیلات برای تجار جنوایی به گسترش تجارت کمک فراوانی کرده است. در پیوند تجاری ایلخانان و جنوایی‌ها؛ راه‌ها که تحت نظارت حکومت‌های مختلف توسعه می‌یافتند؛ اهمیت ویژه‌ای داشتند (باگت گلاب، ۲۰۰۴: ۱۳۸۶).

در ارتباط ایران و جنوا مسیرهای شمالی و شمال غرب و مسیرهای دریایی اقیانوس هند به خلیج فارس اهمیت بیشتری داشتند که قسمتی از مسیر جاده‌ی ابریشم را تشکیل می‌داد و بیش‌ترین تجارت در این مسیرها بود. شاخه‌ی شمالی این راه شامل دو قسمت می‌شد: یکی از بنادر کریمه آغاز می‌شد و از طریق دریای سیاه به بنادر جنوبی آن و در ادامه به سرزمین‌های ایران، بیزانس، مصر و اروپا می‌رسید و شاخه‌ی جنوبی از طرابوزان آغاز می‌شد و پس از عبور از ساحل دریای سیاه و بندر ایاز در ارمنستان صغیر می‌رسید و با پنج مسیر فرعی به تبریز می‌رسید (اشپولر، ۱۳۷۴: ۲۴۵).



امپراتوری بیزانس و شاه ارمنستان هر چند متحدان مغولان بودند اما به دلیل قدرت برتر ممالیک در سوریه؛ مجبور می‌شدند در ظاهر بی‌طرفی خود را حفظ کنند و گاهی مساوی به طرفین باج بدهند (اقبال، ۱۳۷۴: ۱۰۷)، اتحاد نیروهای مسلمان از شمال و غرب؛ وضعیت ایلخانان را به مخاطره انداخت زیرا احتمال وقوع حمله می‌رفت، از سوی دیگر استیلای مسلمانان موجب نارضایتی آرامنه و مسیحیان ایران شد و حمله‌ی هلاکو و تشکیل دولت غیرمسلمان را به فال نیک گرفتند و پیمان اتحاد میان مسیحیان شام و مصر علیه مغولان منعقد شد (میرخواند، ۱۳۷۴: ۲۶۸/۵-۲۶۷؛ قلقشندی، ۱۹۱۹: ۲۴۵)، این امر موجب اتحاد ممالیک مصر و مسلمانان اردوی زرین شد؛ در نتیجه مغولان با ارسال سفیران خواهان اتحاد با دولت‌های اروپایی بودند؛ از این رو اتحاد ممالیک و اردوی زرین، وحدت مغولان که همیشه رمز پیروزی آنان بود؛ شکسته شد، در نتیجه مغولان به ناچار روابطی طولانی با صلیبیون سوریه و دولت‌های مسیحی اروپا به ویژه فرانسه و ژن برقرار ساختند از این رو در دوران اولیه‌ی ایلخانان؛ میان آن‌ها و فرانسه و انگلیس و روم؛ سفیرانی مبادله شد.

این اتحاد و ائتلاف میان مسیحیان و مغولان و ممالیک مصر و دشت قپچاق تا عصر ایلخانان مسلمان ادامه داشت، هر چند در پاره‌ای از مواقع تلاش‌هایی برای ضربه زدن به منافع رقیب انجام می‌شد؛ بطوریکه تلاش‌های ارغون مقطعی بود و سیاست تحریم مصر در اروپا تا حدودی طرفدارانی داشته است (پیگو لوسکایا و دیگران، ۱۳۴۹: ۳۵۲، ۳۵۱)، مسئله‌ی مهم در روابط تجاری ایلخانان و جنوا مناسبات چندجانبه‌ی تجار آن است بطوریکه آن‌ها همزمان با اردوی زرین، مصر، بیزانس، صلیبیان و ایلخانان روابط تجاری داشتند زیرا منافع حاصل از تجارت بین قاره‌ای چنان بود که اختلافات را به حاشیه می‌راند. از سوی دیگر روابط تجاری ایران با ونیز و جنوا به گستردگی الوس زرین نبود و علت این امر ناشی از مناسبات تیره‌ی میان ایلخانان با خان‌های الوس زرین و الوس جغتای و برتری موقعیت خوانین مغول قپچاق در جلب تجار ایتالیایی و روابط بحرانی و آکنده از جنگ و جدال ایلخانان ایران با ممالیک مصر بود که موجبات ناامنی را در مسیرهای تجاری آناتولی، شام و مدیترانه فراهم کرده بود.

تجار جنوایی از سال (۶۶۶ هـ.ق/۱۲۶۸ م.) فعالیتشان را آغاز کردند و با تأسیس کارخانه‌هایی در بنادر کافا و کریمه؛ انحصار تجارت دریای سیاه را در دست گرفتند و به یکی از متحدان و هم‌پیمانان تجاری اردوی زرین تبدیل شدند و با فروش کالاهایی مانند پارچه‌های فنلاندی در بازارهای دشت قپچاق و خرید پوست، غله و برده از آنجا؛ نیاز اروپای غربی را به پوست‌های گران‌قیمت و غلات تأمین می‌کردند و بردگان را پس از انتقال از طریق دریا و بندر قسطنطنیه به مصر می‌بردند (ساندرز، ۱۳۶۱: ۱۵۴)، به دلیل گستردگی کارگاه‌های تولیدی و صنعتی در

دولت‌شهرهای ایتالیا؛ صادرات جنوا و ونیز به شرق شامل: شمش‌های طلا و نقره بود، همان‌گونه که محصولات تجملاتی از قبیل کتان، پوشاک و پارچه‌هایی از جنس خز شمالی، مرجان دریای مدیترانه، چوب، فلزات، شراب، روغن‌زیتون، میوه‌های خشک و عسل، حبوبات و غلات جزو کالاهای صادراتی ونیز و جنوا به بازارهای مشرق بود. از مهم‌ترین کالاهای صادراتی که توسط جنوایی‌ها به مصر ارسال می‌شد عبارتند از: فلزات، بردگان و چوب بود که کاربرد نظامی داشت و ارتش ممالیک به آن نیاز مبرمی داشت (E-laiou, 2002: 309). مصر و حکومت آن به‌عنوان احیاگر دستگاه خلافت عباسی از سوی دشمن ایلخانان و دشمن اروپاییان بشمار می‌رفت؛ اما این نکته‌ی مشترک آن‌گونه که باید؛ موجب اتحاد سیاسی علیه ممالیک نشد، به دلیل تضاد منافع هر یک از دولت‌شهرها و حکومت‌های اروپایی؛ برخی از حکومت‌های صلیبی توسط صلاح‌الدین ایوبی نابود شدند و بقیه‌ی آن را ممالیک از میان برداشتند؛ این مسئله به دلیل سود کلان حاصل از تجارت باعث از بین رفتن روابط تجاری مصر و دولت‌شهرهای ایتالیایی که جنوا یکی از آن‌ها بود نشد (لوکاس، ۱۳۷۶: ۷، ۸). این دولت‌ها قبل از جنگ‌های صلیبی هم روابط تجاری با مصر داشتند شهرهایی مانند جنوا و ونیز با آنکه در تسخیر بنادر و حمل‌ونقل صلیبیان همکاری می‌کردند، اما روابط تجاری‌شان را با مصر ادامه دادند (Amitai, 1995: 103)؛ رانسیمان، (۱۳۷۱: ۴۲۴)، بطوریکه همزمان با تجارت روابط سیاسی نیز برای تثبیت موقعیت تجار برقرار بوده است و سفیران مشهور جنوایی در دربار سلاطین مصر حضور می‌یافتند بطوریکه در سال‌های (۶۶۳، ۶۶۱ هـ.ق/۱۲۶۵، ۱۲۶۳ م) و (۶۷۴ هـ.ق/۱۲۷۵ م) سفرایی از جنوا در قاهره حضور داشته‌اند (ابن فرات، ۱۹۳۶: ۴۴/۷؛ مقریزی، ۱۹۵۶: ۴۹۵/۱).

در این دوره جنوایی‌ها به‌طور منظم با تجار وابسته به سلاطین مصر دادوستد می‌کردند (Amitai, 1995: 103)، تجار جنوایی در تجارت با مصر مشکل چندانی نداشتند و ممالیک نیز با وجود حمایت از حکومت‌های صلیبی در سوریه و پیوندهای تجاری با ایلخانان به دلیل سود حاصل از تجارت و نیاز به برده مزاحمتی برای آن‌ها به وجود نمی‌آوردند. از سوی دیگر به دنبال گسترش مناسبات میان ایلخانان و اروپاییان آن‌ها کالاهای تولیدی ایران مانند ابریشم خام، مروارید، رنگ، زاج، پناسو و غیره. را در کنار تولیدات شرق آسیا که منافع اروپایی به آن نیاز داشت را به اروپا منتقل می‌کردند و تولیدات غرب را به ایران می‌آوردند، ایلخانان نیز با گسترش مناسبات چه از طریق دریافت مالیات تجاری و چه با مشارکت در امور تجاری عواید فراوانی به دست می‌آوردند (Amitai, 1995, 103).





بروز اختلاف میان ممالیک و جنوا فرصت مناسبی را به وجود آورد که ایلخانان اهداف سیاسی خود را دنبال کنند بطوریکه پس از سقوط طرابلس، جنوایی‌ها دچار زیان هنگفتی شدند و برای جبران آن یک کشتی بزرگ مصری را در آب‌های مدیترانه تصرف و بندر طینه را غارت کردند، سلطان مصر نیز جهت انتقام گرفتن از آن‌ها دروازه‌های اسکندریه را به روی تجار و کشتی‌های جنوایی بست که این امر باعث شد جنوایی‌ها با عجله تقاضای صلح کردند (رانسیمان، ۱۳۸۶: ۴۸۸)، با سقوط دولت صلیبی لاتین، جنوایی‌ها در تعقیب اهداف تجاری خود و نیز رقابت با ونیزیان؛ در صدد اتحاد با میخائیل پالئوگ برآمدند، این اتحاد باعث شد تا جنواییان در عرصه‌ی تجارت دریای سیاه و بازارهای بیژانس جای رقبا و نیز خود را بگیرند (ویلتسن، ۱۳۶۸: ۱۵۰)، حذف رقبا تجاری جنوا از عرصه‌های تجاری مناطق مذکور از یک سو و تضعیف توان اقتصادی آن‌ها از سوی دیگر باعث شد تا جنوایی‌ها در بازرگانی خارجی آسیای میانه قدرت و نفوذ زیادی به دست آورند و حتی تجارت این مناطق را به انحصار خود درآوردند، تلاش جنوایی‌ها در بسط سیطره‌ی بازرگانی و تجاری خود آنان را رودرروی ایلخانان قرارداد، زیرا این دولت در عرصه‌ی تجارت آسیای میانه فعال بود بدین ترتیب رقابت با ایلخانان موجب نزدیکی بازرگانان ایتالیایی به اردوی زرین و مصر شد (ویلتسن، ۱۳۶۸: ۱۵۰)؛ در نتیجه همان‌گونه که ایتالیایی‌ها تجارت پرونوک و قابل توجهی با مصر و سوریه داشتند؛ در عرصه‌های بازرگانی اردوی زرین نیز سرآمد شدند (گروسه، ۱۳۸۳: ۶۶۰).

یکی از تحولات عصر مغول در عرصه‌ی جغرافیای سیاسی؛ قرار گرفتن آسیای میانه، دشت قپچاق، ایران، قفقاز و آناتولی در حاکمیت مغولان بوده است که از نتایج بلافصل چنین دگرگونی‌هایی در نواحی مذکور؛ گسترش مناسبات تجاری و بازرگانی میان اقوام و ملل مختلف آسیایی بود که بتدریج آثار آن به اروپا هم رسید، از جمله فعال‌ترین مناطقی که در گسترش مناسبات تجاری در آسیا و اروپا فعالیت داشتند؛ دولت شهرهای ونیز و جنوا بود. ونیزیان در رقابت با جنوایی‌ها که در حوزه‌ی مسیر تجاری شمال و شمال غربی آن فعال بودند؛ ونیزیان فعالیت‌های تجاریشان را در مسیر تجاری جنوب به مرکزیت تبریز متمرکز کردند. در واقع تبعیض و سیاست‌های مالیاتی سخت و بازدارنده‌ی ممالیک مصر در قبال تجار ایتالیایی و رفتار انحصارطلبانه‌ی تجار ممالیک مصر با ونیزیان که با تحمل هرگونه خواری و به ناچار کالاهای شرقی را از آن‌ها می‌خریدند و به اروپا می‌بردند در توجه ونیزی‌ها به تجارت با ایلخانان و حضورشان در تبریز بی‌تأثیر نبوده است.

از سوی دیگر سیاست‌های مبتنی بر تساهل مذهبی ایلخانان با مسیحیان و خوش رفتاری‌شان با بازرگانان و تلاش آن‌ها برای ایجاد امکانات و تأمین امنیت برای فعالیت‌های تجاری بازرگانان؛ باعث اشتیاق سودگران اروپایی به

ایجاد ارتباط با مراکز تجاری ایران در قلمرو سیاسی ایلخانان شده بود. آغاز روابط ایران و ونیز با پیش قدمی ونیزیان بوده است به دلیل وجود دشمن مشترک به نام ممالیک مصر میان ایلخانان و دولت‌های مسیحی، باعث نزدیکی و توجه این جمهوری‌ها به مرکز تجاری ایران شد. ولی مهم‌ترین عامل این دوستی‌ها منافع حاصل از تجارت بود که موجب جذب تجار ایتالیایی بسوی ایلخانان و حسن اقبال ایلخانان به طرف آن‌ها شد، زمینه‌ها و معادلات روابط این دولت شهرها با ایلخانان بویژه ونیزیان متفاوت با شرایط ایلخانان با دیگر دولت‌ها و جوامع مسیحی اروپایی بود.

کشمکش ایلخانان با ممالیک مصر باعث شد که میان مغولان ایران با صلیبیون سوریه و دولت‌های مسیحی اروپایی بخصوص فرانسه و ژن روابط سیاسی مبتنی بر همگرایی برقرار شود درحالی‌که در چنین شرایطی ونیزیان از ممالیک حمایت می‌کردند و در لشکرکشی مغولان به شام جانب مملوکان را گرفتند و در حمایت از پیروزی مملوکان در نبرد عین جالوت علیه مغولان؛ نقش مهمی ایفا کردند (رانسیمان، ۱۳۶۰: ۲۳۱)، علت موضع‌گیری‌های متفاوت ونیزیان این بود که آن‌ها نمی‌خواستند پایگاه تجاری‌شان را در سواحل شرق مدیترانه از جمله اسکندریه مصر (به دلیل تیره شدن روابطشان با ممالیک مصر) از دست بدهند (رانسیمان، ۱۳۶۰: ۴۲۷)، ونیزیان علی‌رغم خواسته‌ی پاپ مبنی بر عدم حمایت از ممالیک و گرایش به ایلخانان؛ تا مدت‌ها اساس منافع تجاری‌شان به برقراری روابط حسنه با ممالیک مصر و حفظ پایگاهشان در مرکز تجاری اسکندریه و دمیاط مصر مشغول بودند (شبارو، ۱۳۸۰: ۱۵۰؛ Rosamond, 2006: 169)، حتی در اوضاع بحرانی که روابط ونیز با ممالیک به دشمنی گرانید؛ روابط تجاری ونیزیان با ممالیک قطع نشد.

نتیجه‌گیری

در قرن دوازدهم میلادی/ششم هجری جنگ‌های صلیبی نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش روابط شرق و غرب با محوریت حوزه‌ی مدیترانه و لوانت ایفا کرد، صلیبی‌ها در لوانت مستقر شدند و سیل مهاجرت، تهاجم و اسکان مسیحیان به منطقه سرازیر شد. عملیات جنگی و قراردادهای صلح به توسعه‌ی مناسبات مسلمانان و مسیحیان انجامید و تجارت و بازرگانی که از ملزومات این مناسبات است؛ رونق بیشتری گرفت. همچنین در قرن سیزدهم میلادی/ هفتم هجری هجوم ویرانگر مغولان به آسیای مرکزی، روسیه و ایران و حاکمیت آن‌ها بر دشت‌های وسیع روسیه تا سواحل شمالی دریای سیاه؛ ضمن تغییر معادلات سیاسی و بازرگانی منطقه؛ روند انتقال بردگان را به لوانت و مناطق حوزه‌ی مدیترانه و اروپا افزایش فراوانی داد، اتحاد سیاسی خاندان جوچی در روسیه با دولت





ممالیک در مصر موجب شد تا مسیرهای انتقال بردگان از دشت قیچاق و دریای سیاه تا دریای مدیترانه محل تلاقی اتحادیه‌ها و دشمنی‌های سیاسی و مذهبی گردیده و بر روند جنگ‌های صلیبی و دولت‌های درگیر آن تأثیرات زیادی بگذارد.

دولت‌شهرهای تاجر پیشه‌ی ایتالیایی به‌عنوان تاجران عمده برده با اتخاذ سیاست مبتنی بر منافع مالی و اقتصادی خود؛ با همه‌ی طرف‌های درگیر در جنگ‌های صلیبی مناسبات سیاسی و اقتصادی برقرار کردند و نقش اساسی در انتقال هزاران برده از قلمروی اردوی زرتین به مصر، ایتالیا و سایر مناطق داشتند. ورود هزاران برده به لوانت و مدیترانه بر ساختار سیاسی و اجتماعی آن مناطق تأثیرات قابل توجهی نهاد و به منازعات مذهبی در جهان مسیحیت نیز دامن زد. این اختلافات ناشی از مخالفت دستگاه پاپ و کلیسا با دخالت تاجران مسیحی در انتقال برده به لوانت و تقویت دولت ممالیک مصر از یک‌سو و به بردگی فروختن مسیحیان توسط این تاجران از سوی دیگر بود. دولت ممالیک به جهت ساختار سیاسی، نظامی خود همواره نیازمند ورود بردگان از قلمرو اردوی زرتین بود و در همین رابطه مهم‌ترین اصل سیاست خارجی خود را حفظ اتحاد با آن دولت قرار داده بود. دشمنی و جنگ‌های هر دو دولت با ایلخانان نیز به این اتحاد دامن زده و تمایل جهان مسیحیت و دولت‌شهرهای ایتالیایی را به ورود در اتحادیه‌ها و منازعات منطقه‌ای و بهره‌برداری سیاسی، مذهبی و اقتصادی موجب گردید.

منابع

- ابن بطوطه، شمس‌الدین محمد بن عبدالله (۱۹۸۷ م، ۱۳۵۴ ش). *تحفه النظار فی غرائب الامصار و العجایب الاسفار*، تحقیق محمد عبدالنعیم عریان و مصطفی قصاب، بیروت: دار الحیاء العلوم.
- ابن تغری بردی، جمال‌الدین ابوالمحاسن ابویوسف (۱۹۶۳ م، ۱۳۸۳ ش). *النجوم الظاهره فی الملوک مصر و القاهره، الثقافه و الارشاد القومي، المؤسسه العصریه العامه، قاهره.*
- انصاری دمشقی، شمس‌الدین محمد (۱۳۵۷). *نخبه الدهر فی العجایب البر و البحر*، ترجمه حمید طیبیان، تهران: فرهنگستان ادب و هنر.
- ابن الفرات، الناصر الدین محمد بن عبدالرحیم (۱۹۳۶). *تاریخ ابن الفرات، المجلد السابع، الدتتور قسطنطین زریق، بیروت: المطبعه الامیر کانیه.*
- ابن الوردی (۱۹۷۰). *تحتہ المختصر فی اخبار البشر*، تحقیق احمد رفعت، بیروت.
- ابن واصل، جمال‌الدین (۱۹۳۶ م). *مفرج الكرب فی اخبار بنی ایوب*، قاهره: دارالکتب المصریه، بی تا.



- اشپولر، برتولد (۱۳۷۴). تاریخ مغولان در ایران، ترجمه محمود میر آفتاب، تهران: علمی فرهنگی.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۷۹). تاریخ مغولان از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری، تهران: امیرکبیر.
- ابن عبدالظاهر، محی‌الدین (۱۹۷۶ م). الروض الزاهره فی سیره الملک الظاهر، تحقیق عبدالعزیز خونتطیر، ریاض.
- امامی خوئی، محمدتقی (۱۳۸۵). «تجارت و راه‌های ارتباطی آناتولی در زمان ایلخانان»، فصلنامه شناخت (نشریه زبان و ادبیات)، ش ۵۲.
- باگت گلاب، جان (۱۳۸۶). سربازان مزدور سرگذشت ممالیک، ترجمه مهدی گلجان، تهران: امیرکبیر.
- بروکلمان، کارل (۱۳۶۴). تاریخ ملل و دول اسلامی، ترجمه هادی جزایری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پیگو لوسکایا، نینا ویکتوروونا، آ. یو یاکوبوسکی (۱۳۴۹). تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده ۱۸ میلادی، ترجمه کریم کشاورز، تهران: مؤسسه علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- رانسیمان، استیو (۱۳۸۶). تاریخ جنگ‌های صلیبی، ترجمه منوچهر کاشف، چاپ ششم، تهران: علمی و فرهنگی.
- رضوی، سید ابوالفضل (۱۳۹۰). شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان، تهران: امیرکبیر.
- رمزی، م. م (۱۹۰۸). تلفیق الاخبار و تلقیح الاثار فی وقایع قزان و بلغار و الملوک تار اورنبوغ، تهران: بی جا.
- ساندرز، ج.ج. (۱۳۶۱). تاریخ فتوحات مغول، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران: امیرکبیر.
- شبارو، عصام محمد (۱۳۸۰). دولت ممالیک و نقش سیاسی تمدنی آن در تاریخ اسلام، ترجمه شهلا بختیاری، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- قلقشندی، احمد بن علی (۱۹۱۳-۱۹۱۹). صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، القاهرة: وزراء الثقافة و الارشاد القومي، الموسسه المصریه العالمیه.
- کراچکوفسکی، ایگناتی (۱۳۷۹). تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- گروسه، رنه (۱۳۶۸). امپراتوری صحرائوردان، عبدالحسین میکده، تهران: علمی فرهنگی.
- لوسییس، برنارد (۱۳۸۹). نخستین مسلمانان در اروپا، ترجمه محمد قاند، تهران: کارنامه.
- لوکاس، هنری (۱۳۷۶). تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، جلد اول، تهران: کیهان.



- لین پول، استانلی (۱۹۶۹). **طبقات سلاطین اسلام**، ترجمه عباس اقبال، تهران: دنیای کتاب.
- لین پول، استانلی و دیگران (۱۳۸۹). **تاریخ دولت‌های اسلامی و خاندان‌های حکومتگر**، ترجمه صادق سجادی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- لمبتون، آن.ک.س و دیگران (۱۳۷۸). **تاریخ اسلام**، ترجمه احمد آرام، تهران: امیرکبیر.
- مقریزی التقی الدین احمد بن علی (۱۹۳۹ م). **کتاب السلوک لمعرفة الدول المملوک**، ناشر محمد مصطفی زیاده، مطبعه لجنه التألیف و الترجمة و النشر، القاهرة: دارالکتب المصریه.
- _____ (۱۲۷۰ هـ/ ۱۴۱۸ م). **المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار**، لبنان، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- میر خواند، میر محمد بن سید برهان الدین خاوندشاه البشر (۱۳۳۹). **تاریخ روضه الصفا**، ج ۵، بی‌نا.
- مورگان، دیوید (۱۳۷۱). **مغولان**، ترجمه عباس مخبر، بی‌نا.
- وصاف الحضرة، عبدالله بن فضل الله (۱۳۸۳). **تجزیه المصار و تزجیه الاعصار** (تاریخ و صاف الحضرة در احوال سلاطین مغول)، تصحیح عبدالحمید آیتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ویلتس، دوراکه (۱۳۵۳). **سفیران پاپ در دربار خان مغول**، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: خوارزمی.
- اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران و جمهوری ونیز (بایگانی اسناد شهر ونیز و کتابخانه ملی مارچان) (۱۳۵۲). تهران: مرکز اسناد دانشگاه تهران.
- Amitai preiss, Reuven, (1995). **Mongols and Mammluks, the Mamlukk ilkhanid war**, 1260.1281, first published, cambrig: cambrig university press.
- Chares, j, (1982). **Russia and The Mongol Empirein comparative perpoetire**, Harnard journal of Asiatic studies, 43/1, pp.239, 262.
- Dicosmo, Nicolo (no Deat). **Mongols and Merchants on the Black Sea Frontive in the Thitteenth. Fourteenth Centuries**.
- E.LALOU. Angeliki, (no Deat). **the Economic history of Byzantium. from the seventh through the fifteen** publisheh by Dumbarton oak Research library and collection Washington D.e.
- Hivannisian Richard, G. (2004). **Armenian people from Ancient to modern**, newyork, vo1 1, New York: st.marttins prees.



Richard, j. (1952). **An Account of the Battle of Hattin Referring to the Frankish Mercanrasi in oriental Moselm state.**

Rosamond, E. Mack, (2004). **Bazzar to pizza, Islamic trade and Italian art 1300- 1600.** University of California. Press.

